

نظریه جهانی شدن و نقش آن در تعلیم و تربیت

دکتر رمضان جهانیان*

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۵/۲۹ و تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۸/۱۳)

چکیده

جهانی شدن، مفهومی است که هم به فشرده شدن جهان و هم به تشدید آگاهی درباره جهان به عنوان یک کل و هم وابستگی متقابل و واقعی جهان و هم به آگاهی و یکپارچگی جهان اشاره دارد. جهانی شدن فرایندی است که در ابعاد مختلف زندگی بشر به ویژه در بعد تولید، حکومت، جامعه، دانش، فرهنگ و تعلیم و تربیت، تأثیراتی را به شرح زیر بجا گذاشته است. در قلمرو تولید: جهانی شدن به میزان قابل توجهی جایگاه سرمایه داری را به عنوان ساختار غالب تولید در تاریخ معاصر، تقویت کرده است. در قلمرو حکومت: جهانی شدن نقش اصلی را در ظهور حکومت پساخودمختار داشته است. در قلمرو جامعه: جهانی شدن معاصر جایگاه ملیت را به عنوان چارچوب اصلی همبستگی جمعی، به طور بنیادی تضعیف نکرده، بلکه به سست شدن برخی از پیوندهای میان ملت ها و دولت ها کمک کرده است. در قلمرو دانش ساختار دانش، همراه با چارچوب جامعه، حکومت و تولید چهارمین جنبه اصلی نظام

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، گروه علوم تربیتی، کرج، ایران.

◇ نظریه جهانی شدن و نقش آن در تعلیم و تربیت

اجتماعی را تشکیل می دهد. اثرات جهانی شدن بر دانش را می توان در ابعاد معرفت شناسی، هستی شناسی، روش شناسی و زیبا شناسی نام برد. و در بعد تاثیر جهانی شدن بر تعلیم و تربیت می توان گفت که، امروزه تغییرات اجتماعی- اقتصادی ساختارهای آموزش و پرورش را متاثر ساخته است و نیاز به تغییر محتوا و ساختارهای آموزشی را مورد تاکید قرار داده است. بسیاری از مطالعات بر این نکته دلالت دارند که اصلاحات آموزشی با تغییرات اقتصادی و اجتماعی در سطح بین المللی پیوند خورده است. با این وجود پدیده جهانی شدن چالش تجربی جدیدی را مطرح ساخته است. جهانی شدن نیاز به سازماندهی مجدد دنیای بازار کار و اقتصاد را عنوان می کند و در نتیجه نیاز فزاینده ای به دانش و اطلاعات نو را به وجود آورده است. به طور کلی جهانی شدن فرایندی است که حاکمیت و هویت فرهنگی ملل را در سطوح خرد و کلان تحت تاثیر قرار داده است، لذا نظام های آموزشی که انتقال دهنده، معرفت بشری به دانش آموختگان خود هستند، نمی توانند خود را جدا و یا به دور از این فرایند رو به گسترش در نظر گیرند.

کلید واژگان

جهانی شدن، نظریه جهانی شدن، تعلیم و تربیت، حکومت، جامعه، دانش.

مقدمه

نظریه جهانی شدن و نقش آن در تعلیم و تربیت

جهانی شدن و تاریخچه آن

جهانی شدن^۱ به اشکال مختلفی بیان و توصیف شده است. گروهی از صاحب نظران معتقدند ویژگی بارز جهانی شدن به تشدید سرعت و روند سرمایه گذاری جهانی و تغییر ساختارهای اقتصاد خرد کلان انجامید و موجی از نگرانی ها را در امر تهدید امنیت ملی کشورها، عدم توسعه یافتگی، فقر جهانی و مهاجرت انبوه فراهم ساخته است (قریب ۱۳۸۰، اسمیت ۱۹۹۵، باربر ۱۹۹۳).

^۱ - Globalization

نظریه جهانی شدن و نقش آن در تعلیم و تربیت ◇

گیدین^۱ (۱۹۹۴) معتقد است که جهانی شدن به معنای انتقال (زمان و مکان) است. او بر این باور است که بخش اعظم این تحول ناشی از توان بشر در متمول ساختن وسایل ارتباطی و فعالیت از راه دور است. (مهرعلی زاده، ۱۳۸۳)

رابرتسون (۱۹۹۲) معتقد است مفهوم جهانی شدن تا اوایل یا شاید اواسط دهه ۱۹۸۰ اعتبار علمی چندانی نداشت و کاربرد آن از اواسط دهه هشتاد آغاز شد و از آن پس مفهوم جنبه جهانی پیدا کرد. اگر چه واژه جهانی شدن از دهه هشتاد وارد ادبیات علمی شده است، اما فرایند جهانی شدن جدید نیست. بلکه تاریخ آن به زمان نوگرایی و ظهور سرمایه داری بر می گردد. البته نوگرایی، این فرایند را تسریع کرده و در طی دوران معاصر موجب تشدید سطح آگاهی انسان نسبت به آن شده است. رابرتسون تمدن اروپایی را کانون اصلی و خاستگاه تحول جهانی شدن به حساب می آورد. اصلی ترین نکته در برداشت رابرتسون از جهانی شدن، مربوط به تشدید آگاهی جهانی است که پدیده نسبتاً جدیدی است. او مفهوم جهانی شدن را به شرح زیر تشریح کرده است. جهانی شدن یا سیاره ای شدن جهان، مفهومی است که هم به فشرده شدن جهان و هم به تشدید آگاهی درباره جهان به عنوان یک کل و هم وابستگی متقابل و واقعی جهان و هم به آگاهی و یکپارچگی جهان در قرن بیستم اشاره می کند. از نظر رابرتسون فرایندها و کنشهایی که اکنون مفهوم جهانی شدن را برای آن به کار می بریم، قرنهایست که البته با گستتهایی جریان دارد. با این وجود، تمرکز بر جهانی شدن، موضوع جدیدی است (رابرتسون ۱۹۹۲). شدت آگاهی جهانی از نظر رابرتسون، همراه با وابستگی متقابل شدید در زمینه مسایل مادی، احتمال این را که جهان به یک تک نظام تبدیل شود، افزایش می دهد ولی هرگز رابرتسون مدعی نیست که این جهان به صورت یکپارچه در می آید. رابرتسون نیز مانند بعضی از متفکران معتقد است با این که جهان یک نظام واحد را تشکیل می دهد، اما پر از اختلاف و تضاد است تا آنجا که گروهی، جهانی شدن را به عنوان واکنشی به این محدودیت ها به شمار می آورند. (ادوارد زواشر ۲۰۰۰) این تضاد ها و اختلاف به ویژه در بعضی از منابع از جمله در زمینه اقتصاد عمده شده (هیرست و تامپسون ۱۹۹۶) و در بعضی دیگر، تضاد در ابعاد سیاسی و فرهنگی را موجب شده است. (واترز ۱۹۹۵) در عین حال، روند حرکت به سوی جهانی شدن به رغم واکنش های منفی امری گریز ناپذیر است و تنها در این شرایط

^۱ - Giddend

باید به ملاحظاتی اندیشید که با مسئله جهانی شدن به عنوان یک کل ملازمته داشته باشد. کوفی عنان نیز در این مورد با رابرتسون هم‌نواست: در این دوره جدید، آستانه قرن بیست و یکم و جهانی شدن، اقدام مردم پیوسته ولو اغلب ناخود بر زندگی کسانی که بسیار دور از آنها زندگی می‌کنند، تاثیر می‌گذارد. جهانی شدن فرصت‌های بزرگی پدید می‌آورد، اما در حال حاضر گرچه منافع آن بسیار ناموزون توزیع می‌شود ولی هزینه‌های آن را همه می‌پردازند. بنابراین چالش اصلی ما امروز این است کاری کنیم که جهانی شدن به نیروی مثبت برای همه جهان تبدیل شود، نه آن که میلیارد ها نفر در تیره بختی رها شوند. در جهانی شدن فراگیر، تلاش وسیع تری لازم هست تا آینده ای مشترک بر مبنای انسانیت مشترک، با تمام تنوعی که دارد خلق شود. (کوفی عنان ۲۰۰۰) مالکوم واترز (۱۹۹۵) سه احتمال زیر را برای جهانی شدن مطرح می‌کند:

۱) جهانی شدن فرایندی است که از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته و از همان زمان تاثیرات آن رو به فزونی بوده است، اما اخیراً شتابی ناگهانی در آن پدیدار شده است.

۲) جهانی شدن با نوگرایی و توسعه سرمایه داری هم‌زمان بوده، اما اخیراً شتابی به وجود آمده است.

۳) جهانی شدن فرایندی متاخر است که با سایر فرایندهای اجتماعی نظیر فراصنعتی شدن فرانوگرایی با شالوده شکنی سرمایه داری همراه است.

وی جهانی شدن را فرایندی اجتماعی می‌داند که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده از کاهش این قید و بندها آگاه می‌شوند.

علل جهانی شدن

صاحب نظران، برای ظهور پدیده جهانی شدن دلایل متعددی را ارائه داده اند که خلاصه پویایی‌های علت و معلولی جهانی شدن به شرح زیر می‌باشد. (شولت ۱۹۹۵)

۱) عقل‌گرایی شامل: برداشت‌های سکولار درباره هستی بر حسب دنیای مادی، توجه انسان به کره زمین به عنوان ایستگاه همه انسانها، بحث‌های کارآمد در برابر تقسیمات قلمروی (نامعقول).

- ۲) سرمایه داری شامل: بازارهای جهانی برای افزایش حجم فروش و دستیابی به اقتصاد مالی در مقیاس گسترده، حسابداری جهانی قیمت و بدهی های مالیاتی به منظور افزایش منافع، منع یابی جهانی به منظور کاهش هزینه های تولید، مزیت های جهانی به عنوان مجاری اضافی برای انباشت.
- ۳) نوآوری های تکنولوژیکی شامل: حمل و نقل هوایی، ارتباطات الکترونیکی، داده پردازی دیجیتال، صنفی شدن کلی به عنوان منبع اصلی تغییرات زیست محیطی جهانی.
- ۴) قوانین و مقررات شامل: استاندارد کردن روش های اجرایی و فنی، آزادسازی جابجایی های پولی یا سرمایه گذاری ها و تجارت برون مرزی، تضمین حقوق مالکیت برای سرمایه جهانی، قانونی شدن سازمانها و فعالیت های جهانی.

نظریه جهانی شدن

- ۱) درباره جهانی شدن اندیشمندان و صاحب نظران، نظریه های متعددی را ارائه داده اند که نظریه های اصلی درباره جهانی شدن به شرح زیر می باشد (شولت ۱۹۹۵)
- ۲) جهانی شدن عبارت است دگرگونی جغرافیایی اجتماعی که به وسیله گسترش فضاهای فوق قلمروی مشخص می شود. اما جهانی شدن مستلزم پایان یافتن جغرافیایی قلمرو نیست، قلمروگرایی و فوق قلمروگرایی را روابط متقابل و پیچیده به همزیستی ادامه خواهد داد.
- ۳) گر چه جهانی شدن در گذشته نیز جلوه هایی داشته است، اما پس از دهه ۱۹۶۰ این گرایش با سرعت و دامنه ای بی سابقه گسترش یافته است.
- ۴) گر چه جهانی شدن تقریباً هر شخص و مکانی را در دنیای امروز تحت تاثیر قرار داده است، روند گسترش آن ناموزون بوده و بیشتر بر طبقات مالک و در کشور های توسعه یافته (شمال) در شهرها، و در میان نسل های جوان تر متمرکز است.
- ۵) جهانی شدن دارای پویایی های علت و معلولی چندوجهی است که انگیزه های اصلی آن ریشه در دانش عقل گرایانه، تولید سرمایه داری، نوآوری تکنولوژیکی گوناگون، و برخی امکانات نظارتی ویژه دارد.

۶) جهانی شدن موجب جابجایی ساختارهای اجتماعی عمیق تر در رابطه با تولید (سرمایه داری)، حکومت (دولت و دیوان سالاری)، اجتماع (ملت) و دانش (عقل گرایی) نشده است. اما جهانی شدن موجب تغییرات مهمی در برخی از جنبه های ویژه سرمایه، دولت، ملت و عقل گرایی مدرن شده است.

۷) جهانی شدن رشد مواضع اضافی حکومت را در کنار دولت، گسترش شکل های دیگر اجتماع را در کنار ملت و پیدایش انواع دیگری از دانش را در کنار عقل گرایی مدرن تقویت کرده است.

۸) جهانی شدن معاصر در ارتباط به احیای فرهنگی، ارتباطات، عدم تمرکز قدرت، بهره وری اقتصادی، و گسترده فرآورده ها و محصولات موجود، پیامدهای مثبت مهمی داشته است. اما سیاست های نولیبرالی نسبت به جهانی شدن پیامدهای منفی متعددی در ارتباط به افزایش بی توجهی به محیط زیست، تداوم فقر، و خیم تر شدن شرایط کار، آسیب های فرهنگی گوناگون، گسترش نابرابری های خودسرانه، و تعمیق نارسایی های دموکراسی داشته است.

مراحل جهانی شدن

مراحل جهانی شدن از نظر رابرتسون به صورت زیر است:

مرحله اول: مرحله نطفه ای که از اوایل قرن پانزدهم تا قرن هجدهم در اروپا ادامه داشت. در این مرحله، رشد اجتماعات ملی و به وجود آمدن نظام های فراملی قرون وسطی، گستردگی حیطه نفوذ کلیسای کاتولیک، تحکیم مفاهیم فرد و ایده های مربوط به بشریت، نظریه خورشیدی محوری جهان و پیدایش جغرافیایی جدید، گسترش تقویم گریگوری را شاهد هستیم.

مرحله دوم: مرحله دوم آغاز جهانی شدن، که از نیمه قرن هیجدهم تا دهه ۱۸۷۰ اساساً در اروپا ادامه یافت. در این دوره، شاهد گرایش شدید به مفهوم دولت و همگن، تبلور انگار روابط رسمی بین الملل و فرد به عنوان شهروند، گسترش قابل توجه میثاق ها و نمایندگی های مرتبط با تنظیم روابط بین المللی و فراملی، نمایشگاههای بین المللی، آغاز پذیرش جوامع غیر اروپایی به جامعه بین المللی و ترازبندی موضوعات بین المللی هستیم.

مرحله سوم: مرحله خیزش که از دهه ۱۸۷۰ شروع شد و تا ۱۹۲۰ ادامه یافت. اصلاح (خیزش) در اینجا در مورد دوره ای به کار رفته است که در آن گرایش های جهانی شدن پیشین به قالبی واحد و

بازگشت ناپذیر شامل چهار مرجع اصلی: جوامع ملی، جامعه بین الملل و نوع بشر (به عنوان مفهومی واحد اما نه یکپارچه) تبدیل شده است. ترازبندی اولیه موضوع تجدد، انگاره بیش از پیش جهانی در مورد نوع جامعه ملی (قابل قبول) طرح مفاهیم مربوطه به هویت های ملی و شخصی، ورود تعدادی از جوامع غیر اروپایی به جامعه بین الملل، رسمیت یافتن مفهوم بشریت در سطح بین المللی، جهانی شدن و محدودیت های مربوط به مهاجرت، ازدیاد شکل های ارتباطات جهانی، رشد جنبش های وحدت جهانی، رشد مسابقات جهانی - مثل المپیک و نوبل - نزدیک شدن به پذیرش جهانی یک تقویم واحد، نخستین جنگ جهانی و غیره اتفاق می افتد.

مرحله چهارم: مبارزه برای همگنی، این مرحله، از نیمه دهه ۱۹۲۰ شروع شد و تا اواخر دهه ۱۹۶۰ ادامه یافت. قدم گذاشتن انسان بر روی کره ماه، تحکیم ارزشهای پسامادیگرایی، پایان جنگ سرد و طرح مسایل مربوط به حقوق و دسترسی گسترده تر به سلاح های اتمی، افزایش قابل ملاحظه اعداد نهاد ها و نهضت های جهانی، روبه رو شدن جوامع با مسایل ناشی از تعدد فرهنگی و تکثر نژادی و قومی، تبدیل حقوق مدنی به یک مسئله جهانی، نرمش بیشتر در نظام بین المللی و پایان نظام دوقطبی، افزایش دل مشغولی نسبت به بشریت به عنوان یک نوع به ویژه از طریق جنبش های حفاظت محیط زیست، رشد توجه به جامعه مدنی و شهروندی جهان و غیره را می توان از خصوصیات این دوره به حساب آورد.

ابعاد جهانی شدن

برخی بر این باورند که پدیده جهانی شدن چیزی در باب وسعت تجارت آزاد است. اما حتی اقتصاددانان نیز تصریح می کنند که این تنها یک جنبه از دگرگونی در اقتصاد جهانی است. اقتصادی که در آن، تحولات جاری در روند تولید و مصرف از اهمیت خاصی برخوردار است. تلقی پدیده جهانی شدن به عنوان یک امر صرفاً اقتصادی، بسیار نارساست. در حالی که جهان درگیر یک دگرگونی اجتماعی فراگیر است، کسانی که تصور می کنند پدیده جهانی شدن بحثی در باب ضوابط تجاری است. عمیقاً از درک صحیح وقایع موجود غافلند.

از نظر واترز (۱۹۹۵) جهانی شدن در سه عرصه زندگی اجتماعی به شرح زیر مهم و اساسی تلقی شده است:

۱- عرصه اقتصادی: نظام های اجتماعی خاص تولید، مبادله، توزیع و مصرف کالاها و خدمات ملموس (مادی)، جهانی شدن به تاثیرگذاری شرکت های فراملی بانک ها و سازمان های جهانی مانند بانک جهانی و غیره منجر شده است و لاجرم در نقش عوامل تاثیرگذار داخلی و به خصوص دولت، تغییر ایجاد کرده است. در این شرایط، اقتصاد ملی موظف است خود را با شرایط جهانی انطباق دهد و در این خصوص باید به تخصص پیدا کردن در تولید و رقابتی شدن بیندیشد. بدون تردید در آموزش و در تربیت فنی نیروهای جامعه، این اثر امکان پذیر نخواهد بود.

۲- عرصه سیاست و حکومت: نظام های اجتماعی مخصوص تمرکز و اعمال قدرت به ویژه در مبادله سازمان یافته منطبق بر اعمال فشار و نظارت از طریق نیروی نظامی، پلیس و نظایر آن و نیز نهادینه شدن این اقدامات در قالب اقتدار سیاسی و دیپلماسی است و به تثبیت کنترل بر جمعیت منجر می شود. بدین ترتیب، ضرورت سازماندهی منافع مشترک و فعالیت های مشترک احساس می شود (حل بسیاری از چالش های موجود از عهده هیچ کشوری به تنهایی ساخته نیست. در سطح ملی باید بهتر حکومت کنیم و در سطح بین المللی باید یاد بگیریم که با هم زندگی کنیم). (عنان ۲۰۰۰)

۳!! عرصه فرهنگ: همان طوری که گفته شد جهانی شدن تنها دارای ابعاد اقتصادی نیست و در واقع می تواند به صورت الگوی توسعه به کشورهای جهان سوم تحمیل گردد. الگویی که در آن، عادات مصرف، اشکال تولید، روشهای زندگی، ملاک های موفقیت اجتماعی، ایدئولوژی، ترجیحات فرهنگی و حتی شکل سازمان های سیاسی کشورها را نیز تحت تاثیر قرار می دهد و خلاصه اینکه جهانی شدن تمایل دارد که همگنی جهانی را تشویق کند و وظیفه ملتها این است که از طریق آموزش، با این پدیده ها مقابله کنند و کنسرت های فرهنگی را ترویج و اشاعه دهند تا مانع تحقق این همگنی شوند. بطور کلی جهانی شدن فرایندی است که در ابعاد مختلف زندگی بشر به ویژه در بعد تولید، در بعد حکومت، در بعد جامعه در بعد دانش و در بعد فرهنگ و تعلیم و تربیت، تاثیراتی را به شرح زیر بجا گذاشته است (کرباسیان، ۱۳۸۲).

در قلمرو تولید: جهانی شدن به میزان قابل توجهی جایگاه سرمایه داری را به عنوان ساختار غالب تولید در تاریخ معاصر، تقویت کرده است. رشد فضاهاى قلمروگرایی موجب تسهیل گسترش انباشت مازاد به بخش های مصرفی، تامین مالی، اطلاعات و ارتباطات شده است. گسترش فضاهاى فراج جهانی موجب دگرگونی های عمده در سازمان دهی سرمایه داری، از جمله پیدایش مراکز برون ساحلی، شرکت های برون مرزی، ادغام و تملک شرکت ها و انحصار چند قطبی شده است.

در قلمرو حکومت: جهانی شدن نقش اصلی را در ظهور حکومت پساخودمختار داشته است. دولت از نظر حکومت بسیار مهم باقی مانده اند، اما جهانی شدن موجب دگرگونی های گوناگون در ویژگی های اصلی آنها شده است. ظهور فوق قلمروگرایی موجب حرکت هایی در جهت حکومت چندقشری شده، که در آنها توانایی قانونی و نظارتی بیشتر در میان سازمانهای نیمه دولتی و دولتی و فوق دولتی پخش شده است. رشد فضاهاى فراج جهانی موجب ترغیب خصوصی سازی نسبی حکومت شده است. حکومت پساخودمختار ویژگی عمیقاً دیوان سالارانه خود را که مشخصه حکومت دولت گرای قبلی بوده، حفظ کرده است.

در قلمرو جامعه: جهانی شدن معاصر جایگاه ملیت^۱ را به عنوان چارچوب اصلی همبستگی جمعی، به طور بنیادی تضعیف نکرده، بلکه به سست شدن برخی از پیوند های میان ملت ها و دولت ها کمک کرده است. رشد فضاهاى فوق قلمروگرایی موجب تسهیل توسعه جوامع بی قلمرو گوناگون از جمله براساس طبقه، جنس، نژاد و مذهب شده است. گسترش روابط فراج جهانی موجب تقویت ظهور برخی پیوندهای جهان وطنی شده است. تماس های گسترده میان فرهنگی در متن جهانی شدن هویت های دورگه را افزایش داده اند. در قلمرو دانش به لحاظ اهمیت این بعد از جهانی شدن آنرا به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می دهیم.

جهانی شدن و دانش

ساختار دانش، همراه با چارچوب جامعه، حکومت و تولید چهارمین جنبه اصلی نظام اجتماعی را تشکیل می دهد. این که ما چگونه دنیا را درک می کنیم، پرسش اجتماعی مهمی است که با مسائلی

^۱ - Nationhood

ارتباط دارد مثل چگونه با یکدیگر رابطه برقرار کنیم، چگونه پدیده ها را تنظیم کنیم، و چگونه تولید کنیم. به علاوه، درست همان گونه که ساختارهای حاکم در رابطه با جامعه، حکومت و تولید مطابق با زمینه آن ها تغییر می یابند، چارچوب های زیر بنایی دانش نیز براساس بافت اجتماعی و تاریخی دگرگون می شوند. بنابراین، بررسی چگونگی تاثیر جهانی شدن بر الگوهای دانش اهمیت دارد. بطور خلاصه اثرات جهانی شدن بر دانش را می توان در ابعاد معرفت شناسی، هستی شناسی، روش شناسی و زیبا شناسی به شرح زیر بیان کرد.

در بعد معرفت شناسی: روابط جهانی عمدتاً دانش عقل گرا را منعکس کرده اند. ظهور فوق قلمروگرایی از برخی راهها موجب تقویت واکنش های ضد عقل گرایی مثل محیط زیست گرایی و پسامدرنیسم شده است، جهانی شدن موجب تقویت گسترش عقل گرایی بازتابی شده است.

در بعد هستی شناسی: جهانی شدن تصورات مربوط به فضا را تغییر داده است. روابط فوق قلمروی کیفیت های گوناگون زمان را دگرگون کرده اند.

در بعد روانشناسی: مشکلات جهانی منجر به تشدید نیاز به شیوه های بررسی های میان رشته ای و پسارشته ای شده اند. بسیاری از ابزارها و برنامه های آموزشی انتشار فراج جهانی پیدا کرده اند. فضاهای فوق قلمروی اهمیت سواد دیداری را افزایش داده اند. زبان انگلیسی به وسیله ای فرامرزی برای ارتباطات تبدیل شده است. تکنولوژی های جهانی شدن به تولید کمیت های بیشتر و کیفیت های متفاوت شواهد تجربی منجر شده اند.

در بعد زیباشناسی: روابط فرامرزی انتشار شکل های خاصی از هنر در دنیا را تسهیل کرده اند. جهانی شدن به تقویت تلفیق در هنر منجر شده است. فضاهای فراج جهانی را ایجاد مقوله های جدید در هنر کمک کرده اند.

تاثیر جهانی شدن بر تعلیم و تربیت

امروزه تغییرات اجتماعی-اقتصادی ساختارهای آموزش و پرورش را متاثر ساخته است و نیاز به تغییر محتوا و ساختارهای آموزشی را مورد تاکید قرار داده است. بسیاری از مطالعات بر این نکته دلالت دارند که اصلاحات آموزشی با تغییرات اقتصادی و اجتماعی در سطح بین المللی پیوند خورده است. با

این وجود پدیده جهانی شدن چالش تجربی جدیدی را مطرح ساخته است. جهانی شدن نیاز به سازماندهی مجدد دنیای بازار کار و اقتصاد را عنوان می کند و در نتیجه نیاز فزاینده ای به دانش و اطلاعات نو را به وجود آورده است. معمولاً دانش و اطلاعات بواسطه موسسات ملی و محلی به اعضای جامعه انتقال داده می شود و با توجه به اینکه اقتصاد جهانی ماهیت فرضها و موسسات آموزشی را متحول می سازد، دگرگونی نظام های آموزش و پرورش مستلزم همراهی همگان با توسعه اقتصاد جهانی است. اقتصاد جهانی و ایدئولوژی جهانی شدن به طور فزاینده ای راهبردهای اصطلاحات آموزشی را متاثر می سازد. کارنوی پنج شیوه ای را که جهانی شدن می تواند بر نظام های آموزش و پرورش تاثیر عمده ای داشته باشد، مورد بحث قرار داده است.

(۱) تغییر در رویکردهای مالی: اکثر دولتها برای کاهش هزینه های دولتی آموزش و پرورش و یافتن منابع مالی جدید برای هزینه های آموزشی شان تحت فشار قرار دارند.

(۲) تغییر در بازار کار: از سوی دیگر دولتها برای جذب سرمایه های خارجی نیز تحت فشار بوده و این بدان معناست که کشورهای خارجی منابع مالی و

نیروهای کار ماهر را در اختیار دارند. علاوه بر این به دلیل بالا بودن دست مزد نیروهای کار آموزش دیده، تقاضای برخورداری از تحصیلات دانشگاهی و آموزش عالی افزایش یافته است و دولتها مجبورند آموزش عالی را گسترش دهند علاوه بر این، بسیاری از فارغ التحصیلان مدارس متوسطه آماده رفتن به مراکز آموزش عالی هستند.

(۳) تغییر در آموزش: کیفیت های نظام های آموزش و پرورش ملی بشدت متاثر از مقایسه های بین المللی شده است. این امر موجب تاکید بیشتر بر برنامه های درسی ریاضی و استانداردهای آزمون گشته است. و بسیاری از کشورها برای دستیابی به استانداردها، به تغییر شیوه های آموزشی پرداخته اند. امتحانات و تعیین استانداردهای آموزش بخش وسیعی از تلاش هایی هستند که به منظور ارتقاء سطح مسئولیت و پاسخگویی نظام آموزش و پرورش در قبال جامعه، مورد توجه قرار گرفته اند.

(۴) تغییر در فناوری اطلاعاتی - ارتباطی: این فناوری ها به تدریج به نظام های آموزشی معرفی می شوند و تلاش گسترده ای وجود دارد تا برای اقشار کم درآمد، آموزش از راه دور ارائه شود و حتی در آموزش عالی، برنامه های آموزشی به نحوی طراحی شود که مبتنی بر استفاده از کامپیوتر و اینترنت باشد.

۵) تغییر در شبکه های اطلاعات: ابزاری برای انتقال فرهنگ جهانی محسوب می شود. بسیاری از گروهها به دلیل تاکید بر ارزشها و سنن فرهنگی و احساس در حاشیه ماندن با پدیده جهانی شدن مخالفت می ورزند و نسبت به گسترش آن مقاومت می نمایند. به طور کلی جهانی شدن فرایندی است که حاکمیت و هویت فرهنگی ملل را در سطوح خرد و کلان تحت تاثیر قرار داده است، لذا نظامهای آموزشی که انتقال دهنده معرفت بشری به دانش آموختگان خود هستند نمی توانند خود را جدا و یا به دور از این فرایند رو به گسترش در نظر گیرند.

آسیبها، چالش ها و توصیه ها راهبردی در فرایند جهانی شدن

- مسایل ایجاد شده و چالش های جدید ناشی از پدیده جهانی شدن : در بسیاری از کشورها پدیده جهانی شدن بر برنامه های درسی، مدیریت آموزشی، تمرکز زدایی اختیارات و قدرت از سطح ملی به سطح محلی، گسترش فناوری اطلاعاتی، ارتباطی، گسترش کمیّت آموزشی تاثیر گذار بوده است. این پدیده توانسته است ابعاد اجتماعی، فرهنگی جوامع مختلف را متاثر سازد و در اثر مواجه شدن با بعضی الگوهای فرهنگی ناهمسان با فرهنگ ملی، آنها را وادار به ایجاد انسجام و استقلال در ارتباط درون بخشی سازد. یکی از جنبه های اصلی پدیده جهانی شدن، ابداع و ارائه شیوه هایی است که بواسطه آن افراد جوامع مختلف بتوانند همدیگر را درک نمایند تا بدین صورت صلح و تعادل و توازن بین کشورها برقرار گردد. شالوده و اساس این امر، آن است که در ابتدا ملتها به کسب خودآگاهی، قدر شناسی اصالتها و فرهنگ خود، نائل گردند. جهانی شدن چالش های جدیدی را در مقابل جوامع مختلف مطرح ساخته است که مستلزم انطباق محتوای آموزشی در پاسخ به خواسته های ملی و جهانی، گسترش فناوری اطلاعاتی- ارتباطی، ترویج و گسترش آموزش از راه دور و آموزش غیر رسمی، ارائه مفاهیم و هنجارهای نوین در محتوای آموزشی همچون برنامه های مشترک ارزش های جهانی، مهارتهای اساسی زندگی، آموزش شهروندی و آموزش زبان بین المللی که برای برقراری ارتباط بین ملل حائز اهمیت گشته می باشد. کشور ایران نیز همانند سایر کشورهای جهان، با توجه به مواردی که در بالا مطرح گردید، نیاز به بازبینی در نظام آموزش و پرورش را حس می کند.

- بیکاری ناشی از تغییرات سریع بازار کار و تحولات سریع فن آوری، لزوم تغییر در مهارت های یادگیری اساسی را که از چالش های اساسی جهانی شدن است مطرح نموده. با توجه به عرصه های نوین اقتصادی و نیاز بازار کار به نیروهای متخصص و کارآمد، نظام آموزش و پرورش می تواند در جهت پاسخگویی به این نیاز اجتماعی- اقتصادی، آموزش های نظری خود را با آموزش های علمی، حرفه آموزشی تلفیق سازد و زمینه های جدید را با توجه به فناوری اطلاعاتی ارتباطی فراهم آورد. از جمله آنها استفاده از زمینه های آموزش مداوم، آموزش از راه دور، آموزش ضمن خدمت که با بهره گیری از رسانه های جمعی و یا سایت های آموزشی که برای این منظور احداث می شود، ارائه خواهد شد. توجه به بحرانها و نیازها، آموزش و پرورش را ملزم به ارائه آموزش برنامه های مهارتی زندگی و همزیستی می سازد و بدین شکل محتوای آموزشی هرچه بیشتر با نیازها و مسائلی که پیش روی نسل آینده قراردارد، منطبق خواهد شد.

- کاهش فقر از طریق ایجاد صلاحیتهای حرفه ای از دیگر چالشهاست؛ در بسیاری از کشورها برای کاهش سطح فقر، ایجاد فرصتهای آموزشی و گسترش پروژه های آموزش برای همه به کار گرفته می شود. چرا که با ایجاد صلاحیتهای حرفه ای و ایجاد اشتغال می توان فقر را ریشه کن نمود. در بسیاری از کشورها سازمانهای غیر دولتی با مشارکت سازمانهای جهانی همانند یونیسف، یونسکو، بانک جهانی... اقدامات متعددی در جهت آموزش دختران، زنان، افراد فقیر، معلول و... انجام داده اند تا بدین شکل زمینه های فقر از بین برود.

- شیوع روز افزون بیماری ایدز از جمله مسائلی است که نظام های آموزش و پرورش جهان را متاثر ساخته است و موجب شده بخشی از محتوای برنامه های آموزشی به پیشگیری از ابتلا به این بیماری، اختصاص یابد و نوجوانان درمدارس به مفاهیم و اصول داشتن زندگی سالم واقف شده و از روابط اتفاقی و خارج از حریم خانوادگی اجتناب ورزند.

- افزایش جمعیت از جمله مسایلی است که می تواند زیر ساخت های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جوامع را متاثر سازد. لذا در بسیاری از کشورها آموزش تنظیم خانواده ارتقاء سطح بهداشت مادر- کودک و آموزش ابعاد مسایل خانوادگی مورد توجه مسئولان قرار گرفته است و در بسیاری از نظام های آموزش و پرورش با ارائه برنامه های آگاهی دهنده به دختران و پسران درصدد کاهش روند رشد جمعیت هستند.

این مباحث از طریق آموزش تنظیم خانواده، حفظ و نگهداری محیط زیست ارائه می شود. در این بین استفاده از روشهای آموزش از راه دور جهت تحت پوشش قراردادن افراد واجب التعلیم مورد توجه مسئولان است.

- بیسوادی و بخصوص کم سوادی مسئله مهم دیگری است که در بسیاری از جوامع از جمله ایران دست به گریبان آن هستند. با توجه به این نکته که بیسوادی در جامعه، زمینه هایی چون فقر، افزایش رشد جمعیت، ابتلا به بیماریهای واگیردار از جمله ایدز، هپاتیت، گسترش اختلافات قومی و... را تشدید می کند، مورد توجه مسئولان آموزش و پرورش نیز می باشد. در این جهت ارتقاء سطح پوشش کمی افراد واجب التعلیم، تدوین برنامه های آموزش بزرگسالان و آموزش مستمر، گسترش برنامه های از راه دور، تاسیس و راه اندازی سایت های آموزشی به طور منطقه ای، ملی و بین المللی، تحول در برنامه های درسی و آموزشها به طوری که محتوای آنها در زمینه زندگی روزمره دارای جنبه های علمی و مهارت آموزی باشد از جمله راهبردهایی است که می تواند دنبال شود.

- به مخاطره افتادن محیط زیست و گسترش سموم و مواد آلاینده و آلودگی در سطح گسترده، یکی از معضلات دیگری است که هم جنبه اقتصادی داشته و هم به لحاظ اجتماعی و فرهنگی حائز اهمیت است و توجه به حفظ و نگهداری محیط زیست را ضروری می سازد. آموزش و پرورش با ایجاد تحولات محتوایی و ارائه دروس یا مباحثی که در زمینه نحوه حفظ، نگهداری و ارتقابخشی به محیط زیست در سطح محلی، منطقه ای باشد می تواند به حفظ محیط زیست ملی و جهانی، ایجاد نگرش زیست محیطی و دانش و مهارت لازم در دانش آموزان برای توجه اصولی به محیط زیست کمک کند.

- افزایش سطح تبعیض و طبقات اجتماعی: با گسترش فناوریهای اطلاعاتی - ارتباطی و پیشرفت های حرفه ای فاصله بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و بویژه توسعه نیافته بیش از گذشته می شود. این امر نه تنها بر بازار کار اقتصاد جهانی تاثیرگذار است بلکه عامل محدود کننده ای بر پیشرفت اجتماعی - فرهنگی است. اگر افراد کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته با این فناوریها در عصر اطلاعات همگام نشوند و از آن بهره نجویند، نه تنها در کسب علم و مهارت دچار عقب ماندگی می شوند بلکه به لحاظ اجتماعی و فرهنگی در مقابل تهاجم فرهنگی غرب خلع سلاح خواهند شد. لذا یکی از چالش هایی که آموزش و پرورش با آن رو به روست اتخاذ سیاستها و تدابیری است که نسل جوان و

تحت پوشش خود را به دانش و مهارت روز تجهیز نماید به گونه ای که آنها نیز قادر به کاربرد و استفاده از پیشرفت های نوین باشند.

- آموزش صلح و همزیستی: براساس بیانیه دلور، یادگیری در قرن بیست و یکم دارای چهاررکن است که یکی از آنها یادگیری برای همزیستی است. این امر نه تنها در سطح بین المللی حائز اهمیت است بلکه در سطح محلی و ملی می تواند موجب شکوفایی استعدادها، قابلیت ها و ظرفیت های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه شود. آموزش صلح که در بسیاری از کشورها پدیده ای نو محسوب می شود موجب تغییر محتوای برنامه درسی شده است به گونه ای که به آن اصطلاح اصلاحات آموزشی اطلاق می شود و در برنامه آموزش ملی در سطوح مختلف وارد شده است. در ایران تنها بوسیله برخی از سازمانها غیر دولتی پاره ای از اقدامات در این خصوص صورت گرفته است اما آموزش و پرورش هنوز به طور رسمی وارد این جریان نشده است. آموزش و پرورش با گسترش مفاهیم انسان دوستانه، ارائه راهبردهای حل تعارضات بین فردی و جهت گیری اصولی از طریق برنامه درسی و آموزشها زمینه بسط و گسترش آرامش و صلح را در بین افراد جامعه مهیا می سازد.

- آموزش مداوم یا مادام العمر: یکی از مسائل عمده ای که در جهان به عنوان عامل تسهیل کننده پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی شناخته شده است، آموزش در طول زندگی است. این امر خاص بزرگسالان و صرفاً به شکل برنامه های سوادآموزی نمی باشد بلکه به عنوان شیوه آموزشی که مباحث مربوط به زندگی روزمره، مهارت آموزی... را ارائه می دهد، شناخته شده است. هر جامعه ای بنا به جمعیت خود (جوان یا پیر بودن) راهبردهای آموزشی را اتخاذ می کند که می تواند زمینه ساز رشد قابلیتها و توانمندسازی جامعه شود. توجه به رویکردهایی در آموزش و پرورش و برنامه های درسی که در راستای تسهیل خودراهبردی و خودارزشیابی دانش آموز است تسهیل کننده آموزش و یادگیری مادام العمر است.

- آموزش و پرورش شهروندان جدید: نوع تغییرات و تحولات در کشورها منجر به گسترش مجدد تعریف از حقوق و مسئولیتهای فردی شهروندان شده است. شهروند مسئول بودن مستلزم انطباق و پذیرش موضوعاتی همچون تغییر نگرش نسبت به نقش فرد در گروه، گسترش ارزشهای جدید، تمایل به مشارکت در انجمن های مختلف پذیرش نوآوریها و قابلیت پذیرش تغییرات پیش بینی پذیر است. در

بسیاری از کشورها این زمینه مهم بر عهده آموزش و پرورش قرار دارد تا با تدوین برنامه ها و محتوای آموزشی، ارزش ها، نگرش ها و دانش های ضروری را در افراد تحت تعلیم خود به وجود آورد. توجه به رویکردهای رشد اجتماعی در برنامه های درسی و آموزشها تسهیل کننده پرورش شهروندانی موثر و کارآمد است

- گسترش اصول مردم سالاری: پذیرش اصول دموکراتیک در هر کشوری مستلزم گسترش دادن سطح مشارکت و مسئولیت های فردی در فرآیند تصمیم گیری است، این امر موجب افزایش تاکید بر فرآیند تفکر انتقادی، آزادی بیان، انتقال اطلاعات، فلسفه حقوق بشر بویژه حقوق فردی شده است. در بسیاری از کشورها اصلاحات آموزشی با هدف گسترده شدن مباحث و اصول مردم سالاری در آموزش صورت گرفته است. این امر با تغییر محتوا، روشهای تدریس و فعالیت های آموزشی در رویکردهای مردم سالارانه و توسعه فرهنگی اجتماعی در برنامه آموزشی و درسی تحقق پذیر است.

- یکی دیگر از مسائل جهانی، رقابت اقتصادی است؛ با ورود به اقتصادی جهانی، کشورها نیاز به اصلاحاتی در نظام آموزشی دارند تا بتوانند به طور اثر بخشی با خواسته های متحول و عالی محیط های اقتصادی رقابت کنند. این امر مستلزم افزایش دسترسی متخصصان و متقاضیان به دانش است. در شرایط جدید جهانی، کشورها در جستجوی حفظ موقعیت خود در این زمینه متحول و در حال تغییر می باشند. در نتیجه نیاز فزاینده ای به رقابت به وجود آمده است و تاکید زیادی بر بهبود کیفیت آموزشی از طریق پذیرش و انطباق با تغییرات نوآورانه صورت گرفته است به جای اینکه بر گسترش کمی نظام تاکید شود.

- مواجه بودن با ارزشهای وارداتی و تضعیف بنیاد خانواده و رابطه مستحکم خانوادگی، پای بندبهای اخلاقی و بعضی آداب و رسوم ملی و مذهبی، بخش قابل توجهی از آسیبهای ناشی از جهانی شدن و ارتباطات یک طرفه و انفعالی در سطح جهان است. در این زمینه با اتخاذ دیدگاههای مناسب و تحول جویانه مبتنی بر رشد اجتماعی، رشد شناختی و تفکر خلاق و نقاد می توان در برخورد با مسائل ناشی از جهانی شدن وضعیتی تاثیرگذار و فعال همراه با تعامل مناسب داشت.

جمع بندی راهبردهای آموزشی در جامعه جهانی

از نظر کارنوی (۱۹۹۹) هر کشوری در رویارویی با اقتصاد جهانی در عصر اطلاعات با شرایط سیاسی و اقتصادی خاصی مواجه خواهد شد. اقتصاد بعضی از کشورها کشاورزی است و بعضی اقتصادی-صنعتی که بعداً به اقتصاد خدمات تبدیل شده است. بعضی از کشورها، جوامع توسعه یافته شهری هستند، بعضی نه. بنابراین هر موقعیتی اقتصادی راهبردهای خاصی برای گسترش و توسعه را طی می کند، ولی می توان راهبردهای زیر را به عنوان راهبردهای مهم برای تعلیم و تربیت معرفی کرد. (کدیور و ابراهیمی قوام ۱۳۸۲)

۱) دولتها، اعم از ملی، منطقه ای یا محلی، همچنان مسئولیت بهبود آموزش و توسعه آن را عهده دار خواهند بود. این بدان معنی است که بخش عمده ای از تامین مالی آموزش و پرورش به عهده دولت خواهد بود.

۲) در مورد نحوه تاثیرگذاری جهانی شدن برآموزش، دولتها بیش از آنچه که معمولاً مورد قبول است از لحاظ مالی و سیاسی دستشان باز است. آزمون کردن و استانداردهای مثال خوبی برای این مطلب است. دولتها می توانند دستیابی به آموزش را متعادل تر کنند، کیفیت آموزش را برای فقرا بهبود دهند و تولید دانش را برای تمام فراگیران در درون اقتصاد جهانی شده، موثرتر و برابرتر نمایند. وجود یک مدیریت دولتی سازمان یافته، کلید بهبود آموزش در یک اقتصاد جهانی است. رشد اقتصادی و آموزش و پرورش کارآمد در یک محیط جهانی، مستلزم وجود سرمایه گذاری فیزیکی، نوآوری و توانمندی فنی است، ولی در نهایت به یک دولت کارآمد و سالم بستگی دارد.

۳) معلمان کماکان از ضروریات نظام آموزشی هستند و کیفیت آموزش تا حدود زیادی به کیفیت تدریس و تلاش معلمان بستگی دارد.

۴) جهانی شدن، بازدهی سطوح بالای آموزش را افزایش می دهد. از این رو، فشار برای آموزش بیشتر و توسعه سریع تر سطوح بالای آموزش متوسطه و آموزش دانشگاهی افزایش پیدا می کند. خصوصی سازی هزینه های آموزش عالی با مدیریت مناسب، می تواند وسیله ای برای دستیابی به این توسعه باشد.

۵) برنامه ریزی درازمدت در راستای ایجاد تعادل بین آموزش های فنی حرفه ای و عمومی، می باید

صورت گیرد.

۶) شغل و انعطاف حرفه ای، اقتضا می کند که نظام آموزشی نیز انعطاف بیشتری داشته باشد. نظام آموزشی باید بتواند بزرگسالان بیشتری را برای بازگشت به مراکز آموزشی و دریافت آموزش بیشتر آماده کند تا بزرگسالان بتوانند مهارت‌های لازم برای بازار کار در حال تغییر را کسب نمایند.

۷) تاکید بر بهبود کیفیت آموزش از جمله راهبردهایی است که مشارکت جدی مردم و دولت در این امر را طلب می کند.

۸) عدم تمرکز و استقلال محلی می تواند در پاسخ به جنبش های محلی و منطقه ای برای حفظ هویت و فرهنگ، موثر باشد

۹) بهره گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات در امر آموزش از دیگر راهبردهای جهانی توسعه آموزش و پرورش می باشد.

منابع

منابع فارسی

- پژوهشکده تعلیم و تربیت، *سند منشور اصلاحات* (تهران: انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۲).
- دراکر، پیتر، *جامعه پس از سرمایه داری*، ترجمه محمود طلوع (تهران: انتشارات رسا، ۱۳۷۹).
- رابرتسون، رونالد، *جهانی شدن*، ترجمه کمال پولادی (تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۰).
- شولت، یان آرت، *نکاهی موثکافانه به پدیده جهانی شدن*، ترجمه مسعود کرباسیان (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲).
- عنان، کوفی، *ما مردمان*، ترجمه رضا رضاعی (تهران: نشر نگاره آفتاب، ۱۳۸۰).
- قریب، حسین، «جهانی شدن و چالشهای امنیتی ایران»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، سال پانزدهم، ۱۳۸۰، شماره ۱۱ و ۱۲.
- کدیور، پروین و ابراهیمی قوام، صغری، *جهانی شدن و تعلیم و تربیت* (تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۲).
- مهرعلی زاده، یداله، *جهانی شدن و آموزش عالی* (تهران: دایره المعارف آموزش عالی، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، وزارت علوم و تحقیقات، ۱۳۸۲).
- واترز، مالکوم، *جهانی شدن*، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی (تهران: سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۹).

منابع انگلیسی

- Barber, B.R., *Global Democracy or Global Law* (London: Unity Press, 1993).
- Carnoy, m. (1999), *Globalization and Educational Reform: What Planners Need to Know* (NewYork: Unesco, 1999).

- Edserds, R. Usher, *Globalization and Pedagogy* (London and NewYork: Routledye, 2000)
- Hirst, P. and Thompon, G., *Globalization*, 1996.
- Smith, Royc, “Risk and Volatility”, *Wash, Q.*, autumn, at 177, 1995.